

دولت سیزدهم
عمیقاً به دو
مقوله عدالت و
جمهوریت پایبند
است. عدالت را
برای جمهور مردم
می خواهد و جمهور
مردم را پستوانه
برقراری عدالت
می داند؛ یعنی این
دو تا یک نسبت
رفت و برگشتی
بین هم دارند. ما
عدالت را برای
مردم می خواهیم،
عدالت را که صرفاً
با دولت به تنهایی
نمی خواهیم و بلکه
نمی توانیم بیش
ببریم. فرمود: «لَيَقُومَ
النَّاسُ بِالْقِسْطِ»
یعنی مردم بیایند
پایه این عدالت
را بگیرند، مردم
برای قسط قیام
کنند. وظیفه دولت
اسلامی این است.

و خسارت های دولت در سال ۱۳۹۷ به بعد بود؛ سوم اینکه دولت روحانی بلافاصله بعد از اینکه ایشان آمد و ثبت نام کرد و تأیید شد، کنارش گذاشت.

یعنی از سوی دولت قبل به این اندازه اعتبار نداشت که آن را نمایندگی کند؟

خیر نمی توانست. باید در پاسخ به اینکه در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ کجا بود چه می گفت؟ این خیلی مهم بود. روزی که آقای رئیسی ثبت نام کردند، روز ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰، اگر اشتباه نکنم همان روز ما پیمایش انجام دادیم؛ اول آقای رئیسی در کل کشور ۷۱ درصد رأی داشت، دوم آقای جهانگیری با ۴ درصد و سوم آقای لاریجانی با ۲٫۵ درصد بود. بقیه هم مثل آقای رضایی و دوستان دیگر یکی دو درصد بودند. آقای رئیسی با این عدد به انتخابات آمد و این قدر فاصله سابقه نداشت. معتقد بودیم اگر آقای لاریجانی و آقای جهانگیری در انتخابات می بودند، مردم حس می کردند رأیشان تأثیرگذارتر است و قطعاً مشارکت به میزان بیشتری بالا می رفت. شاید رأی آقای رئیسی هم رأی بی نظیری می شد؛ مثلاً رکورد انتخابات ۱۳۸۸ را به لحاظ عدد رد می کرد. اگرچه ممکن بود به لحاظ میزان مشارکت این اتفاق نمی افتاد، که آن دوره استثنا بود، اما با توجه به میزان واجدین شرایط حتماً تعداد رأی ایشان رکورد آن سال را به لحاظ کمی رد می کرد. آقای رئیسی تا زمان انتخابات هم توانست فاصله اش را حفظ کند. هیچ نظرسنجی ای تا قبل از انتخابات نداشتیم که نشان بدهد ایشان زیر ۶۰ درصد رأی دارد. البته هدف عده ای این بود که آقای رئیسی یک طوری ضربه بخورد؛ مثلاً کارزار انتخاباتی اش زیر ۵۰ درصد بیاید یا انتخابات دومرحله ای شود. امیدشان به این بود که نشد. در هر حال، به نظرم اگر آقای رئیسی نمی آمد امروز وضعیت سرمایه اجتماعی نظام معلوم نبود در چه حالی بود.

نکته ای در فرمایش شما بود که جای گفت وگو دارد. بیان کردید که آقای رئیسی بیش از رؤسای جمهور قبلی، گفتمان انقلاب اسلامی را نمایندگی می کند. دست کم اگر از سال ۱۳۶۸ تاکنون را در نظر بگیریم، گمان شما بر این است که ویژگی های گفتمانی انقلاب اسلامی بیشتر در ایشان ظهور می یابد. شما چه صورت بندی ای از ادبیات گفتمانی انقلاب اسلامی می کنید که چنین باوری دارید؟

من ابتدا بگویم چرا ایشان نزدیک تر است. در بیشتر موارد قاعده انتخابات این است که به نوعی نامزدها و افرادی را که در معرض انتخاب مردم هستند، به سمت معدل عمومی خواسته ها و اراده عمومی جامعه سوق می دهد؛ یعنی چون انتخابات است و نامزدها به رأی مردم نیاز دارند، تلاش می کنند